

انگار «زودپز» را زود از روی اجاق برداشتی آقای جوان!

همه چیز در «زودپز»، خیلی زود از روی اجاق برداشته شده و ناپخته است؛ از موقعیت‌هایی که با شتاب زندگی موشک‌های درون فیلم پشت سر هم ردیف می‌شوند تا خلق رابطه بین دو کاراکتر اصلی که بار آن را به تمامی، خود تنبیده به دوش می‌کشند.

موشک‌باران تهران گره خورده؛ با خاطرات دردناکی که آنها را به یاد دست‌دادن عزیزترین دوستان یا خانواده‌هشان می‌انداخته، «زودپز» در این راستا کارنامه هم عمل کرده باشد سعی در همدردی نداشته؛ بلکه مقابل این حسن همدردی ایستاده است. این اتفاق چگونه رخ داده؟ در کل مدت زمان فیلم، مخاطبان با دو شخصیت اصلی قصه یعنی محسن تنابنده و نوید محمدزاده همراه هستند، دو باجناق دست‌وپاچلفتی که سعی دارند پدرزن خود را که از دنیا رفته، شهید جا بزنند. موقعیت‌هایی که یکی پس از دیگری و به سرعت پیش پای آنهاست، همگی با یک عنصر گره خورده؛ موشک! این گره خوردگی به این معناست

همه چیز در این فیلم، زود از روی اجاق برداشته شده و هنوز ناپخته است؛ از تعامل زوج اصلی فیلم که بار شیمی بین آن دو روی دوش محسن تنابنده است گرفته تا تک‌تک سکانس‌هایی که سعی داشته در پس خود، مفهومی تراژدی‌ک نیز قرار بدهد؛ بلکه منتقدان را در کنار فروش نجومی و اقبال مردم، از خود راضی نگه دارد.

«زودپز» یک خط اصلی دارد که این قصه مرکزی نیز برای خودش نیست؛ از «لیلی با من است» و «اخراجی‌ها» وام گرفته شده اما در راستای همین کپی‌برداری نیز سعی بر عملکردی متفاوت نداشته؛ بلکه با اضافه کردن موشک و بازتاب فضای موشک باران تهران همان جنس شوخی با شهادت و جنگ را از خط مقدم جبهه به داخل شهر آورده است. حتما بخش بزرگی از حافظه جمعی مردم ایران با روزهای

ما این روزها روی دور تند قرار گرفته، از اینستاگرام که خود به تنهایی عامل تجربه سرعت و روی دور تند دیدن هر چیزی است تا زندگی اجتماعی در فضای شهری. این دور تند اما مانند تیغی است که تیزی لبه آن به بدن نجیب سینما نیز برخورد کرده است. «زودپز» جدیدترین فیلم رامبد جوان، کسی که حتی گفتار و رفتارش را نیز با همین حرکات تند به یاد می‌آوریم، حالا تازه‌ترین اثری است که همچون خود او نمونه بازی از همین روی دور سرعت پیش رفتن در شرایط امروز جامعه است. گویی جوان همه چیز را زودتر از حد معمول پخته و نپخته با هم ترکیب کرده تا مخاطبی که انتظار همین سرعت در لحن و بیان قصه دارد را به خود جذب کند.



ساخته‌اند و بازی با آن برای اکثر آنها خاطرات زیادی را زنده می‌کند. دهه شصتی‌ها یادشان هست که سریع‌تر به هدف رسیدن موشک‌ها، نشانه برنده شدن بوده هر موشکی که جلوتر از موشک دیگر متوقف می‌شد، برنده میدان بود. حالا در این فیلم دو باجناق جلوتر از هر موشکی می‌دوند و می‌خندند و خودشان دستی شده‌اند که موشکی از آسمان برسد و روی سر مردم شهر بریزد تا برنده میدان مبارزه‌ای باشند که جوان زیر موشک باران تهران با همه دردها و

پوران درخشنده تشریح کرد:

چرا پروانه ساخت «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند» تمدید نشد؟

واقعیت این است که نامی توانیم به دلیل حساسیت‌های جامعه یا هر مساله دیگری برخی موضوعات مهم را کنار بگذاریم. پوران درخشنده در پایان درباره کار نکردن بسیاری از فیلمسازان در ژانرهای مختلف تصریح کرد: کسانی که با هزار امید وارد حوزه سینما شدند، ضرورت‌ها را احساس کردند و توانمندی‌های خودشان را می‌شناسند، نمی‌توانند رویاپیشان را کنار بگذارند. همه ما رویایی داریم که دنبال هنر آمدیم. همه ما می‌خواهیم که فیلم بسازیم. ما فیلمسازان خوبی داریم که هیچکدام در سال‌های اخیر فیلم نمی‌سازند زیرا باید شرایط و بستر برای کار کردن این عزیزان فراهم شود. یعنی از این هنرمندان درخواستی بود که فیلمی بسازند که از فیلم‌های سری پرده سینماهای ما متفاوت باشد و ضرورت ساخت فیلم‌های اجتماعی را نباید نادیده گرفت.

وی افزود: پس از رفع مشکل بودجه «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند» مدت زمان پروانه ساخت ما به اتمام رسید اما نمی‌دانم به چه دلیل علی‌رغم تمام توضیحاتی که من به صورت حضوری در جلسه شورای پروانه ساخت به اعضای شورا ارائه کردم، پروانه ساخت آن فیلم را تمدید نکردند. واقعا متأسفم که ضرورت ساخت چنین اثری را در آن زمان احساس نکردند. ما همیشه وقتی که اتفاقی رخ می‌دهد تازه متوجه می‌شویم که باید به یکسری از موضوعات بپردازیم و فرهنگسازی کنیم. این کارگردان در پاسخ به این پرسش‌ها که آیا دوساره برای دریافت پروانه ساخت «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند» اقدام کرده است، گفت: من حتما باید این فیلم را بسازم زیرا سرگذشت آدم‌هایی را دارم که نمی‌توانم ساده از کنار آن‌ها بگذرم و اکنون بار سنگینی روی دوش من است.

کار می‌کنم و منتظر یک اتفاق خوب هستم. این کارگردان تأکید کرد: من همواره پروژه و فیلمنامه‌ای برای انجام دادن و ساختن، داشته‌ام اما انجام شروع کار مهم است زیرا همیشه مشکلی سر راه ما قرار دارد که شروع کار را سخت می‌کند. پوران درخشنده درباره ساخت فیلم «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند» گفت: فیلم «هیس پسرها فریاد نمی‌زنند» در مرحله ساخت بود اما متأسفانه مشکلاتی سر راه آن پروژه قرار گرفت و متوقف شد. ما اکنون در سینما با مشکل سرمایه‌گذاری روی فیلم‌های اجتماعی مواجه هستیم زیرا سرمایه‌گذاران روی فیلم‌های دیگری سرمایه‌گذاری می‌کنند. به همین دلیل فیلمسازانی که فیلم اجتماعی می‌سازند در ۲ جبهه دچار چالش هستند؛ یکی مساله تأمین بودجه و سرمایه و بخش دیگر دریافت پروانه ساخت.



گروه فرهنگ و هنر - محمود دولت‌آبادی دربارۀ کتاب جدید خود گفت: «آورده‌اند که...» گزینی از قصه‌های «هزار و یک‌شب» است. این نویسنده نام‌آشنا درباره کتاب جدید خود که در انتشارات وزن دنیا منتشر خواهد شد، گفت: این قصه‌ها به‌رغم قصه‌های طولانی «هزار و یک‌شب» که هر قصه در چندین شب خوانده می‌شود، قصه‌های کوتاهی بوده و مناسب این است که آدم هر شب قصه‌ای را بخواند. دولت‌آبادی سپس درباره انتخاب داستان‌ها گفت: جنبه‌های طنز و شوخی در این داستان‌های منتخب دیده می‌شود. این داستان‌ها بیشتر جنبه عاشقانه دارند. همچنین این داستان‌ها به شخصیت‌های موسیقی‌دان و موسیقی‌نواز دوران خلافت هارون الرشید و همچنین شخصیت‌های سیاسی و ایرانی آن دوره یعنی برمکیان پرداخته است. این داستان‌ها برایم جالب بود و طی سالیانی که این کتاب را می‌خواندم، به نظرم مناسب آمد که قصه‌ها یک‌جا منتشر شوند تا کسانی که حوصله خواندن این کتاب بزرگ را ندارند، در جریان قرار بگیرند.

کتاب جدید محمود دولت‌آبادی؛ منتخبی از عاشقانه‌های «هزار و یک شب»

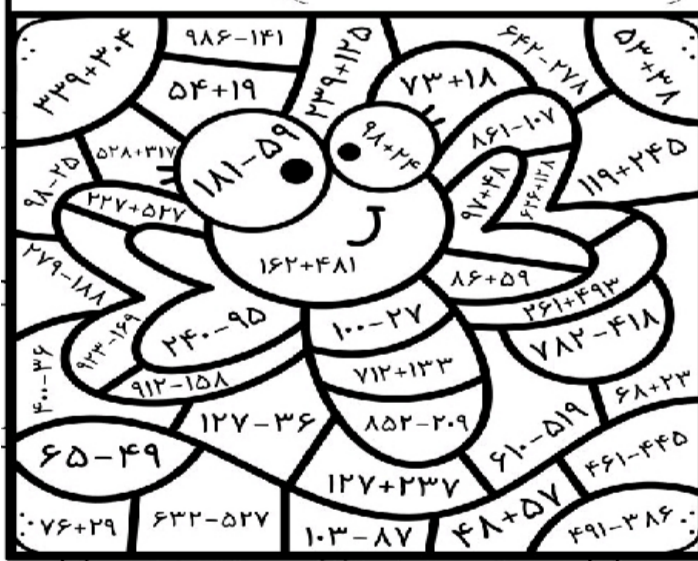
او یادآور شد: علاوه بر شخصیت‌های موسیقی‌دان و برمکیان، قصه‌های عاشقانه عجیب و غریب هم برایم جذاب بود؛ عشق و ابراز عشق از جانب زن‌ها به مردها، دولت‌آبادی درباره اینکه هدفش انتشار گزینی به‌عنوان کتاب بالینی است، خاطر نشان کرد: «آورده‌اند که...» برای جوانان خوب است. بالاخره جوانان اندکان‌اندک با ادبیات و فرهنگ منطقه آشنا شوند. صرفاً برای اینکه بالینی باشد، نبود. من گفتم این کتاب می‌تواند کتاب بالینی هم باشد. نویسنده «جای خالی سلوچ»، «کلیدر»، «طریق بسمل شدن» و «بنی آدم» با بیان اینکه انتخاب این قصه‌ها صرفاً گزینه بوده و نه تفسیر داستان، گفت: به نظرم تسوچی با بهترین اثر این کتاب را نوشته است. نثر او خیلی زیبا، روان و خوب است. جالب اینکه در نثر جناب تسوچی اصلاحات و کلمات خراسانی دیده می‌شود؛ مثلاً ما خراسانی‌ها به کک می‌گوییم یکک و ایشان هم کیک آورده است. حوصله نکردم و گرنه نمونه‌ها را انتخاب می‌کردم که کدام واژگان با تلفظ خراسانی است، زمانی این ماجرا جالب می‌شود که بدانیم که کتاب در تیریز ترجمه شده است. محمود دولت‌آبادی درباره اینکه «هزار و یک شب» برای جوانان امروز چه چیزی دارد و آیا جوانان به دلیل آشنایی با زبان و ادب فارسی می‌توانند سیراغش بروند یا به بر اساس جنبه‌های انسانی قصه‌ها، گفت: موضوع قصه، انسان است. قصه جنبه‌های گوناگون دارد و بیشتر آشنایی جوانان با آن‌هاست. جوانان ما گرفتار اینترنت و شبکه‌های اجتماعی شده‌اند. این کتاب در واقع پیشنهادی ادبی در مقابل چیزهای فراوانی است که در اینترنت در دسترس جوانان است.

ویژه کودک و نوجوان

بچه‌های جزیره

با توجه به راهنما رنگ آمیزی کن

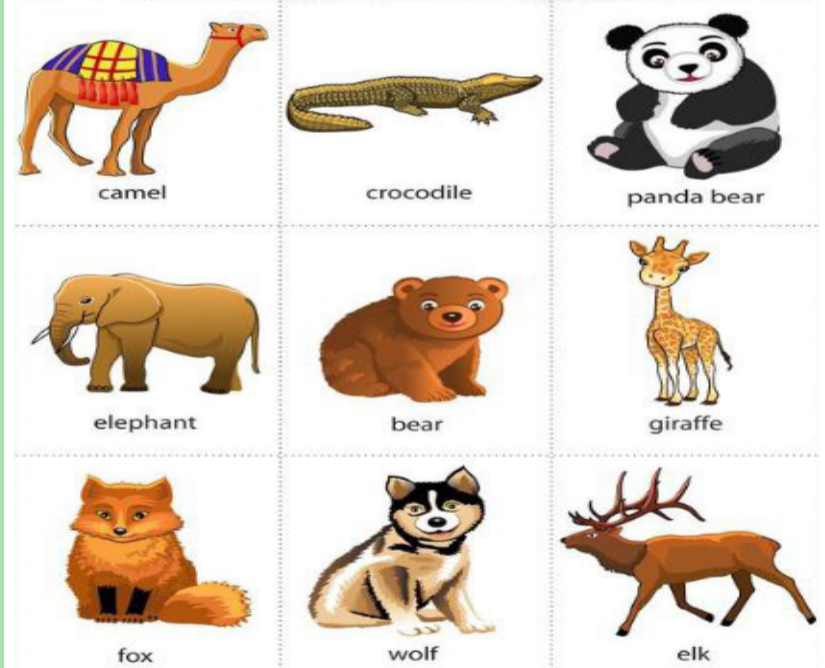
۱۶ سبزه کم رنگ ۷۳ قرمز ۹۱ آبی پررنگ
۱۰۵ سبزه پررنگ ۱۲۲ سفید ۱۴۵ صورتی
۳۶۴ آبی کم‌رنگ - ۶۴۳ زرد - ۷۵۴ بنفش - ۸۴۵ نارنجی



تفاوت‌ها را پیدا کن



آموزش لغات انگلیسی



داستان کوتاه

تخیل بزرگ



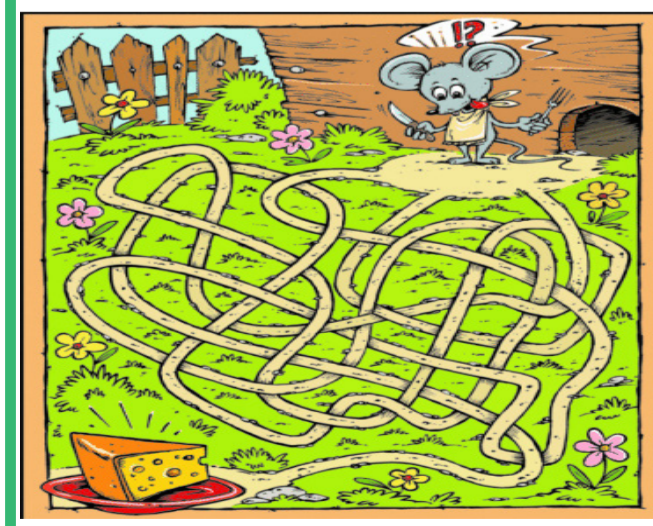
یک روز، یک پسر بامزه به اسم جان توی بعد جیسون و ناتان و پاتریشیا هم اومدن! اون‌ها اتفاق با خودش فکر کرد: چی میشد اگر هر پروانه‌های آبی رو تصور کردن که با سرعت چیزی که من نقاشی میکردم، واقعی میشد؟ مثلاً هوابیما پرواز میکردن! اون زنبورهای غول پیکری یک خرس اسکیت باز روی به سورتهم؟ اون که کارشون پیدا کردن حیوان‌هایی بود که گم سر دنیا، به دختر به اسم فریدا همین فکر به شدن! همه‌ی بچه‌ها سرتاسر دنیا داشتن توی سرش زدا فریدا! به شتر صورتی بالدار کشید که وقتی آهنگ میخوند روی صورتش ستاره ظاهر میشد! یک جای دیگه از دنیا، به دختر به اسم مینا همین فکر رو داشت! اون به یک خورشید خاص و زیبا فکر میکرد که مردم رو دنبال میکرد و وقتی که اونا ناراحت و غمگین بودن، به اون‌ها نور میتابوند! بعد ویلیام میدونست که نوبت اونه! وسایل نقاشیش رو آورد و با خودش فکر کرد... بله! بلندترین تودلی که تا حالا وجود داشته! ویلیام نودل رو بنفش و نارنجی و سبز کرد تا شبیه یک جنگل بشه! جوزفینا هم به بچه پیوست! اون به درخت نقاشی کرد که از توی الان من باور دارم که کل روز و شب همه‌ی آسمون کشته شده بود و به سمت زمین رشد میکرد! وقتی سرش به زمین میرسید، یک میوه‌ی خوشمزه ازش میوفتاد پایین! و چی؟



تصاویر کودکان دلنبد خود را می‌توانید به این شماره ارسال فرمائید.

۰۹۰۳۲۲۸۲۵۴۶

آقا موش را به پنیر برسان



۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹

پرتیراژترین و با سابقه‌ترین نشریه جزیره کیش

گسترده‌ترین شبکه اطلاع‌رسانی داخلی منطقه آزاد کیش

اقتصاد کیش